

روح خداوندگار یهوه بر من است، زیرا که خداوند مرا مسح کرده است تا فقیران را بشارت دهم؛ او مرا فرستاده تا دلشکستگان را التیام بخشم، و آزادی را به اسیران و رهایی را به محبوسان اعلام کنم؛ 2 تا سال لطف خداوند را اعلام نمایم، و از روز انتقام خدایمان خبر دهم؛ تا همه ماتمیان را تسلی بخشم، 3 و به آنان که در صهیون سوگواری، تاجی به عوض خاکستر ببخشم، و روغن شادمانی به عوض سوگواری، و ردای ستایش به جای روح یأس. آنان بلوطهای پارسایی، و نهالهای مغروس خداوند خوانده خواهند شد، تا جلال او نمایان شود.

در خداوند شادی بسیار می‌کنم، و جان من در خدایم به وجد می‌آید؛ زیرا مرا به جامه نجات ملبس ساخته، و ردای پارسایی به من پوشانیده است؛ همچون دامادی که سر خویش را به تاج کهنات می‌آراید، و همچون عروسی که خویشتن را به جواهر زینت می‌دهد.

11 زیرا چنانکه زمین نباتات خود را می‌رویاند، و باغ، دانه‌های کاشته شده را نمو می‌دهد، خداوندگار یهوه نیز پارسایی و ستایش را در نظر جمیع قومها خواهد رویانید.

ناآرامی‌های بزرگی در شهر ناصره رخ داده بود. همه جا در خیابانها و خانه‌ها مردم‌ها زمزمه می‌کردند: «عیسی می‌آید ... عیسی می‌آید!» البته عیسی در شهر ناصره بیستر از هر جای دیگر شناخته شده بود. همه او را تنها خوب می‌شناختند بلکه با او بزرگ شدند، با او به مدرسه رفته، و هم دیدند که او در کنار والدینش بزرگ می‌شد. در این میان، پسری کوچک از شهر ناصره به کسی کاملاً متفاوت از آنچه تصور می‌کردند تبدیل شده بود. وقتی فردی به مقام شهرت دست یافته بشد ... مردم زیاد پشت سرش صحبت می‌کنند. در زمان عیسی برخی می‌گفتند که پسر یوسف و مریا کاملاً مجنون شده است. برخی دیگر به عیسی افتخار می‌کردند که او بسیار مشهور شده است. آنها همچنین می‌توانستند اندکی از شهرت عیسی را صحیح می‌شوند و دوست داشتند از نورش درخشنده شده بودند. سپس این عیسی معروف آمد. در آن روز سر تا سر کنیسه از بالا تا به پایین پر شده بود. کنجکاوندگان در خیابان‌ها بیرون درب ایستاده بودند. آنها بر حسب عادت خود یک کتاب نبی را به عیسی دادند. و از او خواستند این کتاب را بخواند. دقیقاً همان متنی بود که امروز از کتاب اشعیا خواندیم. در این کتاب یک خبر خوش بود ... پیامی از شادی و نجات. زندانیان باید دوباره آزاد شوند. افراد غمگین باید تسکین یابند. و شادی باید وجود داشته باشد! عیسی همه این مطالب را خواند، کنار گذاشت و به طور مستقیم به جمعیت نگاه کرد ... سالن ساکت شد. و سپس عیسی بار دیگر صدای خود را بلند کرد و گفت: «امروز نوشتهای کتاب مقدس تحقق یافت!» این کتاب مقدس فقط به این دلیل تحقق یافت چون که عیسی در مقابل آنها ایستاده بود. آنچه که اشعیا سالها ی گذشته پیش بینی کرده بود، از طریق عیسی تحقق یافته بود: «امروز همه اینها برآورده شده است.» این دقیقاً همان چیزی است که عیسی با زندگی خود نشان داده است. فقیرها و مظلوم که در مورد ضرب و شتم بودند نجات پیدا کردند. حتی آنها که قلب‌ها شکسته بود و کسی که گرسنه و تشنه به عدالت بودند، زندگیشان گرد خواهد شد. خود عیسی در برابر همه رنجهای جهان ایستادگی بود. او با رنج‌های خود بر روی صلیب رنج‌های جهان بر دوش گرفت. او میلیون‌ها نفر را از این طریق کمک کرد. زمانی که عیسی این سخنان را گفت همه ی این کار شروع شده بود. و این کار در همه کشورها در سر تا سر جهان اتفاق افتاد. به این دلیل بود که عیسی این سخنان را در ناصره گفت، از آن زمان به بعد همان گونه اتفاق افتاد. هیچ پیام دیگری در جهان وجود ندارد که به این اندازه با شخص در ارتباط باشد با این پیام که عیسی در آن زمان فریاد می‌زد. ترجمه داستان زندگی عیسی «انجیل» است. از این روح «خبر خوب» است. و به همین دلیل است که شادی موضوعی بسیار بزرگ در کل کتاب مقدس است. در کتاب مقدس دویست بر «شاد بش!» نوشته شده است. بنابراین استدلال می‌توانیم بگوییم که خواست خدا این است که ما را از طریق عیسی خوشحال بکند. فرشته به چوپانان در مزارع گفتند: «من به شما پیام شادی اعلام می‌کنم ...» از این رو شادی برای ما بسیار مناسب می‌شود. و ما می‌توانیم امروز یک بار دیگر در انجیل شادی را جستجو کنیم. آیا احساس شادی را می‌دانید؟ این شادی که در تمام زندگی می‌گذرد و باعث می‌شود همه ابرهای غم از بین

بروند و خورشید لبخند بزند. آیا احساس خوشبختی را می دانید؟ اما بر این حال کسی نمی تواند به کسی دیگر شادی دستور بکند. شما هم نمی توانید آن شادی بخرید. آن شادی مانند یک مهمان است که به طور اتفاقی نگهان می آید و به همان صورت دوباره ناپدید می شود. آخرین باری که واقعاً خوشحال شدی بودید به چه زمانی بود؟ موقعی که با دوستانتان نشاستی داشتید. یا شاید وقتی شخصی یک کلمه دلگرم کننده برای شما گفته است. کلمه‌ای که قلب را با شادی عمیق به تپش آورد. این شادی که از تمام زندگی می گذرد باعث می شود که ابرهای غم از بین برود و خورشید لبخند بزند. آیا احساس خوشبختی را می دانید؟ مارتین لوتر یک بار گفت: "شادی درجه دکتری ایمان است" اگر من او را به درستی درک کنم ، منظور او این بود که شادی ، مانند ایمان ، توسط انسانهای ما ایجاد نمی شود ، بلکه از هدایای روح القدس است. و ایمان نیز با شادی ارتباط نزدیکی دارد. به همین دلیل ما با افرادی در کتاب مقدس آشنا می شویم که با وجود شرایط بسیار بد واقعاً می توانند خوشحال شوند. به عنوان مثال ، رسول پولس نامه ای را از زندان به فیلیپینی ها می نویسد و در این نامه کوتاه ۴۴ بار از شادی صحبت می کند. اشعیا به آینده بسیار دور نگاه می کند و چنین شادی را می بیند. شادی که اشعیا توصیف می کند نمی تواند توسط ما انسانها برآورده شود. و با این حال آنقدر به ما نزدیک است که بخشی از زندگی ما می شود. دقیقاً به این معنا است که اشعیا شادی را بر این اساس پایه گذاری می کند که خداوند یک لباسی گرم از عدالت و لباس از نجات به ما می دهد. و به صورت تحت و لفظی ما به عنوان فرزندان خدا وقف هستیم. لباس جدیدی که با تعمید برای ما ایجاد می شود ، دقیقاً چنین لباسی است که متناسب با زندگی ما است. در این مرحله ما واقعاً باید متوقف و متحیر شویم. زیرا هنگامی که عیسی در ناصره موعظه می کرد ، سخنان او با شخص او یکسان بود. و امروز وقتی که سخنان عیسی برای ما بیان می شود و ما تعمید را به عنوان کت و لباس می پوشیم ، این کلمه با زندگی من یکسان است! غسل تعمید با تمام نجات هایی که عیسی مسیح انجام داد ، یکسان با ماست. لباس و پالتویی که در آن قرار داده ایم به اندازه و دقیقاً همان قالب عیسی مسیح است که در آن زمان در ناصره گفت: "امروز سخنان کتاب مقدس محقق شده است!" فکر می کنید این اندازه برای شما خیلی بزرگ است! نه! زیرا عیسی جای من را در پایین جای گهواره آورده است. و چون همان عیسی شرم و گناه من را بر روی صلیب حمل کرد ، عدالت او عدالت من است. همچنین نجات او ، نجات من است. شادی او نیز شادی من است. پیامی که عیسی در آن زمان در ناصره اعلام کرد توسط خود عیسی مجسم شده است. شگفت انگیز است! ... این دقیقاً همان چیزی است که ما اکنون آن را تجسم می کنیم. انجیل بخشی از زندگی ما می شود. پیام انجیل نه تنها از نظر بیرونی بلکه در نظر بتن نیز برای ما مناسب است. چیزی در مورد آزادی فرزندان خدا آنقدر با من در ارتباط است که نه تنها احساس شادی را دارم بلکه دیگران نیز می توانم آن احساس بدهم. احساس شادی فقط تابش می کند . دقیقاً همانطور که نمی توانیم به خودمان را نور کنیم ، نمی توانیم به خودمان بشارت دهیم. لازم نیست! حتی وظیفه ایجاد شادی به ما داده نشده است. چون عیسی این کار را انجام داد. تمام کاری که او باید انجام می داد انتقال پیام شادی بود. ما اصلاً وظیفه دیگری نداریم جز که: ما باید خبر را که عیسی انجام داده است منتقل کنیم ... .. و امروز ما فقط می توانیم در مورد آن خبر خوشحال باشیم. می توانیم خوشحال باشیم که این پیام برای میلیون ها نفر ارسال شده است. ما همچنین می توانیم خوشحال باشیم که شجاعت به نسل ها داده شده است. می توانیم خوشحال باشیم که عزاداران راحت شدند. در همه مکان ها و در همه کشورها می توانیم خوشحال باشیم زیرا دقیقاً این پیام امروز به ما رسیده است. به همین دلیل است که ما امروز در این مراسم هستیم. هر یک از ما بخشی از این پیام هستیم. همچنین بخشی از آن شادی باشیم! اینها در جلوی چشم و گوش ما هستند. حال خدا آنچه که را همیشه می خواست محقق کرد. و ما را شادی داد! آمین.